

# پیام رویزیونیسم و خیانت

## فکاتی پیرامون پیام نوروزی چریکهای اکثریت

انقلاب (؟) حکومت جمهوری اسلامی (وحتما حزب جمهوری اسلامی که بخول ایشان خط امام است) میتوانند در پی حل دشواریهای فوق برآیند.

واین همان چیزی است که هرگز با الفبای ما رکیسم دربارها تا نونمندیهای انقلابات در عصر امپریالیسم آشنا باشد، نه تنها بوی گند تجدد نظرطلبی (رویزیونیسم) در علم انقلاب بلکه جای پای آقای برژنف و اولیا نفمکی و شرکاء یعنی سرمداران کرملین را در آن احساس میکنند.

آخرمگر این نیست که رسالت رهبری انقلاب تا پیکر روزی بدون طبقه کارگر است؟ مگر قرار نیست آقایان "لنینیست" بدانند که حل آن دشواریهای ذکر شده تنها توسط یک رهبری انقلابی کارگری و متکی به اتحاد کارگران و دهقانان مبنی باشد؟ چریکهای "اکثریت" جواب میدهند خیر! وظیفه ما ایجاد اعتماد نسبت به تواناییهای حکومت جمهوری اسلامی در میان توده مردم است!

اما ذکر یک نکته مهم در حاشیه بحث ضروری است: فرمولبندی رویزیونیستی فدائیان "اکثریت" در جمله بندی فوق تنها ظاهر قضیه است و در باطن و در زیر آئینه "هنوز" ها و "همچنان" ها دروغ بزرگی را استوار کرده اند. و آن اینکه "اکثریت" بسا عدم طرح مسئله تسلیم طلبی های حزب جمهوری اسلامی به امپریالیسم (از جمله در مسئله گروگانها) و همچنین با پرده پوشی این مسئله بسا مهم که رهبران حزب استبدادجوی جمهوری اسلامی در حاشیه ما یک نیروی ارتجاعی بوده و هر روز بیشتر بسوی ابرقدرتها متمایل میشوند، مردم را تربیت میدهند. آنها بخاطر مفاصل "سیاست خارجی" و سیاست داخلی به مصلحتشان نیست که به مردم بگویند که در سال گذشته نه تنها انقلاب هنوز به پیروزی نرسیده است بلکه بخش مهمی از حکومت جمهوری اسلامی و بخصوص حزب استبداد همیشه در جهت شکست انقلاب گامهای بلندی برداشته است، اگرچه هنوز موفق نشده و سه برکت تلاش خلق هرگز هم موفق نخواهد شد.

سرگردیم بر سراسر اصل مطلب و بینیم که آقایان "اکثریست" چگونه میخواهند "انقلاب" را بیروزگردانند و چه راهی پیش پای ملت میگذارند.

در زمینه سیاست داخلی نمونه حالیمی شایان توجه است. "اکثریت" در چاره جویی خود برای مسئله "آزادیهای سیاسی در حاشیه" در برنا مه خود چنین میگوید:

"آزادی سیاسی نیروهای مردمی همانگونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده تا بسن و تضمین گردد."

اینکه حزب جمهوری اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی در سال گذشته نتوان داد که به قانون اساسی مصوب خودی هم پایبند نیستند و واقعیتهای این واقعیت را نیروهای انقلابی از همان موقع تصویب این قانون دوپهلوی فریبکارانه تفسیر کرده بودند. اما اینکه مبارزه ما با ایدئولوژیهای آزادیهای سیاسی تنها به محسودده "تضمین اجرای این قانون اساسی"

رهبری سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) که در سال گذشته آخرین قدمهای خود را بسوی منقلب ارتداد و خیانت طبقاتی و ملی برداشت و کاملاً در غرقاب سازشکاری و مبدل شدن به یک دارودسته وابسته به قدرت شوروی در مملکت ما غوطه ور گردید، به مناسبت مبارکی یا بان آن سال بر بار و برنا مسه ریزی رفتار خود در عرصه سیاست سال آینده بیامی خطاب به مردم ایران منتشر نمود. در پیام نوروزی "اکثریت" آمده که در سال گذشته گویا انقلاب ما پیروزی های فراوان بدست آورده است!

"هنوز میانسوسها هم همین زحمتکشی ما با گرانگی کم رشکمن و بیکاری دست بگیریم بنده طبقه کارگر و فریمان... هنوز در فقر و تنگدستی و بیکاری بسر میبرد و هنوز به حداقل دستمزدی که بتواند معیشت او را تامین کند دست نیا فتمه است. میلیون ها دهقان... هنوز به خواسته های عادلانه خود نرسیده اند. کسبه و پیشه وران، کارمندان، معلمان دانش آموزان و دانشگایان، پرسنل ارتش و دیگر افسران و گروههای مردمی که هر یک به سهم خود در انقلاب شرکت داشته و دارند... هنوز به بسیاری از مطالبات عادلانه خود نرسیده اند. آزادیهای سیاسی که از هفتده های مهم انقلاب... بوده... هنوز تا مبن و تضمین نشده است. امنیت شغلی و قضا بی مردم هنوز در معرض خطر قرار دارند. برای مردم از هر مفیده و از هر مفیدی در براسقانون ضمانت اجرای پیدا نکرده است. مسئله ملی در کردستان... همچنان لاسحل مانده است. تجارت خارجی و نیز برخی صنایع بزرگ هنوز ملی نشده اند. و با اینکه "هنوز" ها و "همچنان" ها که سقای ارتجاع و سرما بسد داری وابسته و بقایای فئودالیسم، را در حاشیه ما گواهی میدهد. هر آدم نسبتاً تا قل و بی غرضی این نتیجه را میگیرد که پس از انقلاب از اجرای خواسته های انقلاب نا توان بسجوده در سال گذشته هم این ناتوانی را به نمایش گذاشته است. اما چریکهای توده ای "اکثریت" از این مسئله نتیجه دیگری میگیرند و آن اینکه گویا این حاکمیت میتوانسته و میتوانند در جهت حل تمامی این مسائل گام بردارند و آنها را رفع کنند و فقط بسه دلالتی "هنوز" این کار را انجام نداده است!

چنانکه بلافاصله میبایست:

"و مهمتر از همه اینها آنکه هنوز این اعتماد در مردم با نگرفته است که حکومت جمهوری اسلامی و نیروهای خط امام که نیروهای فدائیمبرالست و ملی اند، با اتخاذا سیاستهای خارجی و داخلی منطبق با مصالح انقلاب میتوانند در پی حل دشواریها و ضعف های فوق برآیند." (تا کیدان آزما ست)

و این است مهمترین مسئله "اکثریت" توده ای در شرایط کنونی: هنوز... نشده است، اما ممکن است بشود و ما بسبب و دشواریها حل بشود ولی افسوس که مردم اعتماد نمیکنند که از طریق سیاست خارجی (؟) و داخلی (؟) منطبق با مصالح

ز سرکانه مطرح میکنند و از طرف دیگر برای امتیاز دادن به امپریالیزم با لیبم شوروی در این سلیشوی منطقه خلیج تلاث مینما یید. البته شایان ذکر است از وقتی که سیاست حزب جمهوری ظاهر بر عوام - فریبی در مورد سازش نا پذیر با بعثت و راهپیمایی تا کربلا و غنیه متکی شده است، "اکثریت" دچار تناقضی شده و ناچاراً در "کار" ۱۹ فروردین، مصوبه شورای دفاع مبنی بر خروج نیروهای ارتش تجا و زکرا عراقی بعنوان شرط آغاز مذاکرات صلح را تا نپذیرفته است. اما این در اصل مسئله که اینان قیاس از برنامۀ جدید حزب جمهوری اسلامی آمده بودند در عین وجود نیروهای عراقی در ایران بر ضرورت مذاکره صلح تا کید کنند تعیینی نمی دهند.

و اما شا هکار "اکثریت" در رابطه با جنگ و صلح در جمله - ایست که مینویسد با یید

"صلحی برقرار شود که ما من استقلال و تمامیت ارضی ... دو کشور بوده و خواسته های عادلانه خلقهای ایران و عراق و نیروهای ترقیخواه دو کشور را تا مین کند."

و این قطعاً یک شا هکار ردیپلما تیک است! از یک طرف میان رژیم عراق با ایران با یید صلح بشود و از طرف دیگر این صلح با ییدضا من استقلال و برآورد خواسته های عادلانه نیروهای مترقی دو کشور باشد. و معنای دوپهلوی جمله فوق را جدا با یید در کلاس های سیاست با زی رویونیستی تدریس کنند.

از یک طرف میتوانند بگویند که رژیم صدام هم منظور که بر ژرف گفته رژیم مستقلی است و فقط این جنگ با ایران است که استقلال و ترقی آن کشور را در خطر انداخته بنا بر این اگر صلح بشود این صلح میتواند ما من استقلال عراق با شد و نیروهای مترقی عراقی هم مبارزه را تعطیل کنند. (و این حرفی است که "اکثریت" حتماً در جلسه با احزاب برادرمیگویند). از طرف دیگر میتوانند بگویند که رژیم صدام موا بسته است و صلحی که بخواد ما من استقلال و ترقی و "برآورد خواسته های عادلانه نیروهای مترقی" عراقی با شد به معنی سرنگونی رژیم بعثت است و نقشه جنگ تا سرنگونی صدام و بعثت درست میباشد. (و این حرفی است که "اکثریت" حتماً در جلسه با ساداران و یی حتی در جلسه با آقای بهزاد نبوی میگوید). و اینجاست که شا هکار ردیپلما تیک رویونیستی آشکار میشود.

اما ما که متاسفانه از این شگردهای ما هرا نه چیزی نمی - دایم! و نمی خواهیم فرابگیریم! صریحاً میگوییم که جنگ ایران و عراقی در واقع جنگ با رژیم ارتحایی و موا بسته است که به تخریک و نقشه امپریالیزم بر علیه انقلاب ما یورش آورده است به این خاطر دفع این جنگ معنایی مگر پیروزی در این جنگ یعنی اخراج نیروهای تجا و زکرا عراقی ندارد. "صلح" پس از این پیروزی چه قبل و چه بعداً سرنگونی رژیم بعثت بهر حال نمیتواند "ما من استقلال دو کشور و برآورد خواسته های عادلانه خلقهای دو کشور" باشد. انتخاب و خواست عادلانه نیروهای ترقیخواه عراقی برخلاف نظر مسکو و کارگزاران سرنگونی رژیم بعثت عراق است و این تنها با مبارزه خلق برادری عراقی تا مین میشود. همچنین تضمین استقلال ایران هم منوط به ادامه مبارزه خلق ما بر علیه ارتقیدرتها و خائنن و تسلیم طلبان داخلی است و حتی نمی - تواند صرفاً محصول بلاواسطه پیروزی در این جنگ باشد. و برای آقا بان "اکثریت" متاسفیم که مبارزه استقلال طلبانه ایران بهر صورت ادامه دارد! ضمناً این نکته را هم بگوئیم که معلوم می - شود حرف دل آقایان "اکثریت" در واقع همانی است که با احزاب برادرمیگویند!!!

اكتفاء كند از همان سوع حرفیایی است که حزب تسوده در دوران استبداد محمد رضا شاه میزد و اکنون آقایان "اکثریت" در عهد استبداد ذکری بهشتی و در دست و حزش با آن همنوایی نشان میدهند. و جای تعجبی هم نیست! جای تعجب اینجاست که این سازشکاران کسانی هستند که گویا به این قانون اساسی هم رای نداده اند. . . . و البته حتماً پشیمانند! باز در این باب توجه به آن واژه "نیروهای مردمی" برای خواننده ها شوا همیت است چرا که با شناختی که ما از زمان چریکهای "اکثریت" داریم و سیر تقییرایی آن در سال گذشته نشان میدهد و همچنین با توجه به تجارب بین المللی این قماش چریکانات، نه تنها من و شما ی خواننده بلکه تقریباً هیچیک از زمانهای انقلابی جامعه ما در چارچوب نیروهای مردمی نمی گنجند! به صحبت های اینها در مورد سازمان مجاهدین و گروههای چپ که در "مردم" و "کسار" منعکس مینمود توجه کنید). و تازه ما توجه به این مسئله که مردم افغانستان و کارگران لیستان هم بزعم اینها ضدا انقلابینند روشن است که تکلیف مردم ایران چیست و چه سازم مردم ایران هم تخریک شده توسط گروههای "چپ آمریکا بی" و "روانشین ارتحایی" باشند و دیگر "نیروی مردمی" نباشند! یعنی با رد دیگر رویز - یونیسم و سازشکاری رسماً و علناً اعلام مینود و در واقع راه بسرای استبداد موا بسته به روس هموار میگردند.

و اما برنامۀ ۹ ماده ای چریکهای فدایی "اکثریت" در ارتباط با مسئله جنگ هم نکات حالیی دارد.

"اکثریت" در جنگ مردم ایران بر علیه تجا و زکرا عراقی ظاهر طرف ایران را گرفته است اما چنانکه ما قبلاً هم گفته ایم آنها در این رابطه در واقع مبلغ یا سفیر صلح طلبی تسلیم طلبانه بوده اند. در این برنامۀ منظور مشخص فضا چنین مطرح میشود که با یید در عین جنگ با عراقی مذاکرات صلح آغاز شود آنها میگو - ییند:

"اعتقاد داریم که بیگانه و مفاومت، ما ما که تجا و زکرا در میهنمان حضور دارند با یید با طبیعت هر چه تماماً سازگاری ندارد. اما اعتقاد داریم که در کنار چنین بیگانه عادلانه ای همه اشکال مبارزه در راه دفع تجا و زوا استقرار صلح، از جمله مذاکره صلح را با یید یکا رکیریم."

و در اینجا مذاکره صلح بهیچوجه منوط به اخراج قوای عراقی از مین ما نمیشود بلکه مذاکره صلح با رژیم صدام در کنار یکا ربا منجا و زب معنی در شرایطی که قوای عراقی در ایران هستند مطرح میشود و این بهروایب حکومت جمهوری اسلامی مورد علاقه "اکثریت" هم با تمام جهایش معنای دیگری مگر سازشکاری ندارد. در اینجا فدائیان "اکثریت" بوی تسلیم طلبی حزب جمهوری اسلامی را شنیده اند و از فرصت استفاده کرده میخواهند برنامۀ برژنف را در مورد این جنگ بیاده کنند. بیخود نیست که فدائیان تا کید میکنند که ابتدا مذاکرات صلح با سدر دست دولت ها و نیروهای ترقیخواه جهان و منطقه باشد (که حتماً در اسانینا هم شوروی امپریالیستی و کارگزاران نسی هستند.) می بینیم که با ز "اکثریت" علناً با سفیر صلح و تسلیم طلبی را

ایران منبع اصلی چنین تبلیغاتی است و رهبری سچخا نیز بر چنین راهی گام نهاده است .

" امروزه دگرزمان آن فرار سبده که تمامی اعضاء و هواداران سچخا یک جمع بندی اصولی و همه جا نبسته از گذشته بنمایند . یکی از ویژگی های مشی چریکی عدم استکاء به توده بود . و امروزه تبلیوربازاین امر عدم استکاء به توده برای پیش بردن انقلاب و در عوض محمولات ابرق قدرت روس شدن است . یکی دیگر از ویژگی های مشی چریکی ، باور نداشتن به مرز بندی ایدئولوژیک بود و تبلیورباز این امر فقدان یک مرز بندی قاطع با رویزیونیسم و ضد انقلاب در سطح ملی و بین المللی بود که امروزه به شکل کرنش در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی بروز کرده است .

" رهبری سچخا کما نیرا که در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی موضع دارند متهم میکنند که در مقابل امپریالیسم تزلیل دارند ، حال آنکه اینان خود در واقع در مقابل یک ابرق قدرت امپریالیستی تزلیل دارند .

" رهبری سچخا موضع گیری ما در مقابل سوسیالیسم امپریالیسم روس را مخدوش کردن مرز بین سوسیالیسم و امپریالیسم می نامند و حال آنکه خود با سوسیالیستی خواندن شوروی مرز بین سوسیالیسم و امپریالیسم را مخدوش میکنند . و دریای حونی را که بین ما و روسیسم - لنینیسم و رویزیونیسم ، بین شوروی دوران لنین و استالین و شوروی خروشچف و برژنف و کاسیگین موجود است نمی بینند . رهبری سچخا موضع ما بر علیه سوسیالیسم - یالیسم را دال بر " سه جهانی " بودن ما میدانند و حال آنکه در اصل مرزی بین سه جهان چین و رویزیونیسم و سوسیالیسم امپریالیسم موجود نیست ، تفاوت تنها در بعد زمانی موجود است .

" رهبری سچخا امروزه با تبلیغ اینکه شوروی دوست انقلاب ما است میکوشد یکی از ویژگی های انقلاب ما تمام ما را که همانا استکاء به نیروی لایزال توده ها بسود از آن بزدان دوا بن بس خطرناک است . ما در مبارزه پر شکوه فعلی بر علیه امپریالیسم آمریکا عمیقاً معتقدیم

جامه های کونشود فرقه بخون بیرون وطن بدر آن جا مه که ننگ تن و کم زکفن است .  
و اما در این مبارزه همارا هم که امپریالیسم شوروی از در دیگر وارد سود چرا که

خانه از کوسودا ز دست اجانب آباد  
را شک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است  
... کمونیستهای ایران ننگ دارند که روسیه گنونیستی  
را کتوری سوسالیستی بنا مند .

" کمونیستهای ایران ضمن بر اصرار داشتن بر جرم مبارزه علیه امپریالیسم چیا نخوا را آمریکا با سوسیالیسم سالیسم روسیه نیز مرز بندی قاطع داشته و از حازه نفوذی و عملش را بدرون حنیض نمی دهند . " ( ۲۹ خرداد ۵۹ )

\*\*\*

و در سالی که گذشت و سالی که می آید ، رهبری چریکهای " اکثریت " هر روز بیشتر از روز پیش در سلگ توربا غه های خروشچی در آمده و در می آید . و دیگر جای تاسف نیست ! " اکثریت " توده های شده است و برنا مه شوروی را

بالاخره ترجیح بندیرنا مه سا زمان " اکثریت " که الحقی در سال گذشته بر روی آن با فشاری کافی داشته اند اما سال هم آنرا موش نخوا هند کرد در بخش مربوط به مسئله سیاست خارجی شرقیخواها نه منعکس میگردد . ایشان مینویسند :

" امروز اتحاد سیاست خارجی منطبق با مصالح و منافع انقلاب مسئله حیاتی انقلاب ایران است . ما تا رسیدن به مرحله خودکفایی نسبی صنعتی و کشاورزی و غیره راه رازی در پیش داریم . برای ایجاد صنایع زیربنائی و دگرگونی های اساسی در وضعیت کشاورزی ... باید از آخرین دستاوردهای امروز جهان و از پیشرفته ترین ابزار رفنون صنعتی جهان بچره بگیریم . بهره گیری از صنایع پیشرفته و سایل ابزار رفنون صنعتی و کشاورزی پیشرفته جهان امروز ، بگونه ای که ما من تحکیم استقلال و آزادی مبین ما و تداوم و تعمیق انقلاب باشد بگونه ای که منافع و مصالح کارگران و زحمتکشان و همه شره های دیگر مردم مبارزان در نظر داشته باشد ، فقط از طریق هم کاری متقابل با کشورهای سوسیالیستی جهان مینواند تا مین گردد و فقط از این راه است که میتوان با سلطه امپریالیسم و هرگونه وابستگی مقابله کرد . . . . سیاست خارجی منطبق بر مصالح توده های مردم سیاست گسترش روابط با دول سوسیالیستی جهان امروز ضرورت حیاتی انقلاب ما است . " ( تاکیدات از ما است )

و این پیام اصلی چریکهای " اکثریت " است . این آن عشق سوزانی است که چریکهای " اکثریت " را در عرصه سیاست ایران به تکیا مبادا و در حقیقت شاه بیت برنا مه سال آید آنها است . بدون استکاء به اردوی شوروی امپریالیستی ، بدون وابستگی ، استقلال ممکن نیست ! به شوروی استکاء کنید ، به شوروی وابسته شوید تا ما شما را مستقل کامل و بی عیب و نقی بدانیم ! این است پیام چریکهای " اکثریت " به حکومت جمهوری اسلامی . و این است آنچه آنها مردم را به مبارزه در راه آن فرا میخوانند و میخواهند رژیم را وادار به اصلاح خود در آن مسورد کنند ! در جواب این نکته ما قبلاً بسیار نوشته ایم . هر چند که مبارز دوری مستند در این حمله را ما سارها مورد بحث قرار داده ایم . و عواقب این تحلیل ها را که معنی آن تلاش در جهت انقباض ایران به کرد و نه امپریالیستی است ما در صفحات " حقیقت " با رها مورد بررسی قرار داده ایم و از این بین چنین خواهم کرد . اما در اینجا فقط به جمله ای از رصیح شهیدمان قاسم صراف راده که در سال گذشته جان در راه استقلال میهن و دفاع از انقلاب گذاشت بسنده میکنیم تا آما بیان " اکثریت " بدانند ما آنها و کمونیسم در ایران چه فاصله عظیمی افتاده است ! قاسم صراف - زاده سال گذشته در اعلامیه ای خطاب به اعضاء و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق جنس نوشت :

امروزه که مردم ما با امپریالیسم چیا نخوا را آمریکا طسرف هستند ، هستند کسانیکه شوروی را کتوری سوسیالیستی و انقلابی و حامی انقلاب ما معرفی میکنند . حزب توده

در ایران پیاده میکنند. برای کمونیستهای ایران مجروح شده  
نظراتی که "اکثریت" فدائیان تبلیغ میکنند جز نفرت احساس  
دیگری را بر نمی انگیزد. جوانان عمراء شده‌ای که بدن‌نیمسال  
وهران خباست همیشه! ای سازمان افتاده اند با دید بخود آینه است  
و حساب خود را از آنجا حسدا کنیم!